

شهرسازی شهروندگرا

ارتقاء عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های شهری

نوشته‌ی فرانسیس تیبالدز ترجمه‌ی محمد احمدی‌نژاد



این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب:

MAKING PEOPLE-FRIENDLY TOWNS

Tibbalds, Francis

ISBN: 0-415-23759-9

Tibbalds, Francis

تیبالدن، فرانسیس، - ۱۹۹۲ م.

شهرسازی شهروندگرا / نوشته‌ی فرانسیس تیبالدن؛ ترجمه‌ی محمد احمدی نژاد. -- اصفهان: خاک، ۱۳۸۱.

۱۵۶ ص: مصور. -- (ادبیات معماری - شهرسازی: ۲۵)

ISBN: 964-5583-53-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.

Making people - friendly towns

عنوان اصلی:

۱. شهرسازی. ۲. بوم‌شناسی شهری. الف. احمدی نژاد، محمد، ۱۳۲۴. مترجم.

ب. عنوان.

۳۰۷/۱۲۱۶

ش ۹/ت ۹/۱۶۶ HT

چ ۱۳۸۱

م ۸۱-۴۷۰۲۸

کتابخانه ملی ایران



(ناشر برگزیده‌ی سال ۷۷)

ادبیات معماری - شهرسازی

تلفن: ۰۳۱۱-۶۲۴۰۶۳۶

□ شهرسازی شهروندگرا

□ نوشته‌ی فرانسیس تیبالدن

□ ترجمه‌ی محمد احمدی نژاد

□ ویرایش ادبی: بخش ویرایش نشر خاک

□ طراحی جلد، صفحه‌آرایی و نظارت بر چاپ: کارگاد گرافیک نشر خاک

□ شمار: ۳۳۰۰ جلد

□ نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۳

□ بها: ۴۸۰۰ تومان

□ شابک: ۵-۵۳-۵۵۸۳-۹۶۴ ISBN: 964-5583-53-5

□ کلیه‌ی حقوق برای نشر خاک محفوظ است.

یادداشت مترجم

به منوچهر مزینی،
روح بلند و *
تصویر نگاتیو همیشه جاودان در ذهنم
سوگند.
قلمت، دیری بر زمین نخواهد ماند.

نقش انگشتان، نقش انگشتان مگر نه نقش شهر، از روح نازنینش اجازه خواستم آموزه هایم از او را در قالب طرحی به مجموعه اسکیس هایش بیفزایم و البته دستان قرص او کجا و لرزان من، کجا!

از این ترجمه نیز گذشتم ... تا چه افتد؟

برای ما ایرانیان البته، که سال هاست ریزه خواری اندیشه های شهرسازی و مدیریت شهری غلطی را می کنیم که تیپالندز از آن به عنوان دهه های سیاه سیاست های مدیریت شهری لندن یاد می کند - اندیشه هایی که به بهانه ای ایجاد درآمد جهت رفاه بیشتر شهروندان، شهر به عنوان یک کل را به تاراج می گذارد - هشدارهای فرانسیس تیپالندز در جای جای کتاب، بایستی تکان دهنده باشد، دل نگرانی هایش آینه ای تمام قدی می ماند به آینده ی موهومی که صاحبان شهر دیگر نه مردم یا به عبارتی شهروندان بلکه سرمایه گذاران، مدیران شهری و در دیدی کلان تر صنعت و اقتصاد به جای انسان باشد، به کجا می رویم؟ تجارب دیگر ملت ها را تا چه حد کاویده ایم؟ از منسوخ شدن طرح های جامع شهری در دیگر نقاط جهان دیری می گذرد، اگر چه در کشورمان هنوز بیشترین بودجه های طراحی شهری را می بدهد. «شهر ساخته ی دستان بسیار»، انگاره ذهنی کدامیک از مدیران و طراحان شهری ماست که خود را اینگونه آمر شهر می دانند. حضور فراموش شده ی مردم در لایه لایه ی بزرگ های طرح های تفصیلی، کی رنگ خواهد یافت؟ مگر نه طراحی شهری مجالی برای اندیشه است. اندیشه و آن هم از نوع انسانیش، روح حاکم کدام پروژه هایی خواهد شد. راستی فروغ اگر بود. دلش به حال شهر اکنون نمی سوخت؟ رو یکرد فلسفی فرانسیس تیپالندز به مشکلات و معضلات موجود در شهرها و محیط های شهری، به روشنی نشان می دهد که چگونه اجزاء به وجود آورنده ی یک محیط مصنوع، از

شهرسازی شهروندگرا، آن گونه که من می خوانمش، تیر از کمان رهیده ی آرش لندن است: زه رها کرد و جان تهی، دستمایه ی تکمیل آخرین صفحاتش، نفس های آخرینش بود. کتاب، مهمی تیپالندز است، مرثیه ای بر روشن اندیشی های انسانی اش. تلاش های خستگی ناپذیر، وقار و شاعر پیشه گی اش. و این، ماندگار برای او، کم البته نیست، شهرسازی شهروندگرا، تعریف متمایزی از کتاب است. بیانی می یک زندگی حرفه ایست. شاید بیشتر به وصیت نامه ی پدری نگران می ماند. دیدن آینده، و نه پیشگویی نیست. نوستالژی انسان معاصر است جدا افتاده از اصل خویش، مظلوفی از دست داده ی ظرف خویش، معلق در جایی که شهر می نامندش.

کمتر کتابی تا این حد، اصل یافتم. اندیشه های فردی ناب، راهکارها و ره یافت های تجربه شده ی شخصی، احساس مسئولیت عمیق و حس انسانی از نوعی که امروزه گرد فراموشی بر چهره دارد؛ همه چیز کتاب از یک آدم، معجون لقا اندیشه های متنافر، مواضع نامتحد و بیان های چند سویه نیست. تیپالندز و رای همه ی ابعاد، تیپالندز است. چه آنجا که راوی حدیث سی سال فعالیت طراحی شهری است، چه جایی که انگاره های شخصی اش به شهر را می نگارد. آنجا که با حرکت دست، سرود زیبای طرح را می سراید، رنگار از ماهیتش می زداید. به راستی جایی که اسکیس بتواند باروی شعر بگشاید، طرح های تیپالندز نیست؟ همه ی اینها دست برگی می آفریند میراث نسل ما، تا از آن، چه بهره جوئیم.

شهر، نزدیکترین است به انسان. جزئی از خود اوست. تمام هویتش را شکل می دهد؛ هویتی که در مواردی فراتر از نام و فامیل، نشان حقیقی تری از او می دهد. هم شهری، بچه محل، برای نزدیکی آدم ها تاکنون، کافی نبوده است؟ و مگر نه نشان هویت فرد

وام‌دار همکاری شایسته‌ی، گران همت دوستم میر سعید موسوی

خود مکان به عنوان یک کل، دارای اهمیت کمتری است. این کتاب آموزنده، شیوه‌های نوینی را برای حرفه‌ای‌ها و تصمیم‌گیران و همه‌ی کسانی که نگران سرنوشت و آینده‌ی محیط‌های شهری هستند، پیشنهاد می‌کند و مجموعه‌ی ارزشمندی از نمونه‌های موفق شهرسازی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. بسیاری از اصول طراحی شهری در طول تاریخ ماندگار بوده‌اند و بر همین اساس، می‌توان آنها را برای تبدیل شهرها و محیط‌های شهری به مکان‌هایی مناسب‌تر و صرفه‌مندتر به کار گرفت. فرانسیس تیبالدن، با تأکید بر اهمیت شناخت راز موفقیت و دلنشین بودن برخی از شهرها و ساختمان‌های سنتی، استدلال می‌کند که این کیفیت‌ها و ویژگی‌ها را که در عین وابسته بودن به عصر خویش، انسان‌گرا (شهروندگرا) نیز هستند، چگونه باید در ساخت‌وسازهای نوین امروزی پی افکند.

تیبالدن، با توجه به موضوعاتی چون اهمیت حرکت آزاد عابران پیاده، ایجاد وضوح در مکان‌ها، سهولت دید و دسترسی و توجه به مقیاس انسانی، یادآور می‌شود که برای رسیدن به کیفیت مطلوب «شهروندگرایی» باید فعالیت‌ها و کاربری‌ها به‌طور صحیح ادغام شوند. وی وجود ساخت‌وسازی پایدار و ماندگار در طول زمان و سازگار با آهنگ و شتاب کنترل شده توسط افراد را مورد تأکید قرار می‌دهد و معتقد است که درک چگونگی ترکیب و تلفیق این عوامل با یکدیگر در دستیابی به «شهر شهروندگرایی» آرمانی بسیار مؤثر است. کتاب حاضر، ویرایش نوینی از پژوهشی پیشین، شامل مقدمه‌ای از تری فارل و پی‌نوشتی از کوین موری است. در پایان از استاد ارجمند آقای دکتر حمید ماجدی به سبب نگاهت پیش‌نویس کتاب، قدردانی می‌کنم.

محمد احمدی نژاد
زمستان ۸۳

پیش نویس

امروزه، همه از شهرنشینی به مثابه‌ی پدیده‌ای ناخوشایند یاد می‌کنند، اما تحلیلی دقیق از ویژگی‌ها و ساختار زندگی شهری، روشن خواهد کرد که شهرنشینی به خودی خود ناخوشایند و نامطلوب نیست، بلکه آنچه بسیاری از شهرهای امروزی را ناخوشایند کرده، عدم توجه به ماهیت حقیقی شهر و شهرنشینی است. با بررسی سیر تاریخی شهرها، به نمونه‌های بسیار ارزشمندی از شهر و محیط‌های شهری موفق بر می‌خوریم که همواره تجربه‌ی حضور در آنها برای انسان لذت‌بخش بوده است. شهرهای سنتی با گذشت زمان، نه تنها ارزش و جذابیت خود را از دست نداده‌اند، بلکه با گسترش روزافزون زندگی مدرن، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ این امر مطمئناً در سایه‌ی اصول و اندیشه‌هایی است که در خلق آنها به کار گرفته شده است. شناخت و تحلیل هر کدام از این اندیشه‌ها، طراحان امروزی را با افق‌هایی جدید آشنا خواهد کرد که توجه به این افق‌ها در طراحی محیط‌های شهری بسیاری از مشکلات کنونی شهرها را از بین خواهد برد.

در این کتاب، فرانسس تیباندز - که خود معمار و شهرساز است - پس از سی سال فعالیت حرفه‌ای و علمی موفق و مطالعه و بررسی الگوها و نمونه‌های موفق محیط‌های شهری، اصولی را مطرح کرده که به اعتقاد وی، شالوده‌ی شهرهای ارزشمند سنتی بوده‌اند و باید در برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های شهری جدید رعایت شوند.

توجه به گذشته، ادغام کاربری‌ها و فعالیت‌ها، مقیاس انسانی، توجه به آزادی

عابران پیاده، قابلیت دسترسی برای همگان، ایجاد وضوح و کنترل تغییرات، برخی از اصولی هستند که به عقیده‌ی تیباندز در شهرها و محیط‌های شهری گذشته رعایت شده است.

فرانسس با بررسی و تحلیل هر کدام از این اصول در شهرهای سنتی، راه‌حل‌ها و نظریه‌هایی مطرح کرده است که می‌تواند برای حال و آینده ارزشمند باشد. در کشور ما نیز، نمونه‌های بسیار موفق و ارزنده‌ای از طراحی محیط‌های شهری وجود دارد که با توجه به ریشه داشتن آنها در فرهنگ، تاریخ، اقلیم و تمدن این سرزمین، مطالعه و بررسی آنها می‌تواند راهکارهای ارزشمندی را فراروی طراحان قرار دهد. نوشتار موجز، اسکیس‌ها شگفت، ترجمه صریح و ارائه درخور، آن گونه که شایسته‌ی چنین اثری می‌تواند بود.

دکتر حمید ماجدی

استادیار گروه دکترای شهرسازی



فهرست

۹۱	ایجاد وضوح	۱۵	تفزل عرصه‌ی عمومی
۱۰۳	محیط‌های ماندگار	۲۵	مکان‌ها مهم‌ترند
۱۱۱	کنترل تفیرات	۳۷	از گذشته چه آموخته‌ایم؟
۱۲۳	ادغام روش‌ها	۴۷	ادغام کاربری‌ها و فعالیت‌ها
۱۳۳	نوزایی عرصه‌ی عمومی	۶۳	مقیاس انسانی
۱۴۵	پس‌نوشت	۷۵	آزادی عابران پیاده
۱۵۱	پی‌نوشت کوین موری	۸۵	قابلیت دسترسی برای همگان

مقدمه

در سال‌های گذشته، «محیط» موضوع مهمی در ذهن توده‌ی مردم به شمار نمی‌رفت. اما امروزه چنین نیست. اکنون ما استانداردهای بالاتری را می‌شناسیم و خواستار فرآورده‌های جهانی‌تر و محیط‌های جذاب‌تری هستیم. همچنین، ما خواهان آرامشیم، می‌خواهیم از چنبره‌ی دغدغه‌ها و اضطراب‌های روزمره بگریزیم و به آغوش آرامش پناه جوئیم. ما هرگز نمی‌خواهیم برای رسیدن به مقصد خویش، ساعت‌ها در ترافیک سنگین آشفته شویم. می‌خواهیم فرزندانمان از تحصیلات بهتری برخوردار باشند و پس از پایان یافتن مدرسه یا دانشگاهشان، فرصت‌های شغلی مناسبی به دست آورند. می‌خواهیم با حفظ خاطره‌های گذشته، در حال زندگی کنیم و برای آینده‌ی خویش تدابیری بیندیشیم. ما خواستار اصالت، امنیت و حس تعلق هستیم. خواهان زندگی در محیط‌هایی که در عین راحت و انسانی بودن، دارای عناصر و اجزای زیبایی نیز باشد؛ به طوری که روح ما را به سمت و سوی پیشرفت و نوآوری سوق دهد. آنچه بر عظمت بریتانیا افزوده، نبوغ و پشتکار مردم آن است. اکنون هنگام آن رسیده است که همه‌ی ما؛ زمان، توان و نبوغ خود را به کار گیریم تا محیطی به دست آوریم که متعلق به همه باشد و همگان از آن لذت ببرند، و به داشتن آن افتخار کنیم.

جمله‌های بالا، نقل‌قولی است که در یکی از نشریه‌های دولتی با نام «چگونه باید زندگی کرد؟» در سال ۱۹۷۲ درج شده است. این عبارت‌ها می‌توانست متعلق به دیروز باشد، اما دیدگاه‌ها و شرایط مطرح در آن، در دهه‌ی آخر قرن بیستم بیش از پیش اهمیت یافته است. آیا می‌خواهیم این مشکلات در بیست سال آینده از این نیز وخیم‌تر شود؟ یا اینکه می‌کوشیم تحولاتی بنیادین را در کیفیت زندگی شهری خویش به وجود آوریم؟ موضوع این کتاب، طراحی، نگهداری و مدیریت شهرها و محیط‌های شهری، بویژه «مرکز شهر» است. این کتاب به موضوع‌هایی می‌پردازد که رغبت و علاقه به ساختمان‌ها و نگرانی در مورد آنها را در خواننده زنده می‌کند. همچنین، تنزل کیفیت محیط‌های شهری و عرصه‌های عمومی را نیز یادآور می‌شود. شناخت اشتباهات گذشته همواره آسان بوده است، ولی یافتن شیوه‌هایی بهتر برای ساختن و آفرینش محیط‌های شهری انسان‌گراتر (یا شهروندگراتر) همیشه ما را با مشکلات بسیاری روبرو ساخته است. بر همین اساس، ما در این کتاب کوشیده‌ایم تا هم رویکرد فلسفی نوین و هم راهکارهای عملی را در برابر دیدگان شما به نمایش بگذاریم. نخستین نکته این است که در میان اجزای یک محیط شهری، مکان‌ها - ساختمان‌ها، جاده‌ها و پارک‌ها - باید مهم‌تر قلمداد شوند. و دومین نکته، بررسی علل موفقیت نمونه‌های قدیم می‌تواند ما را در طراحی و مدیریت محیط‌های بدیع و نوین یاری بخشد. شایان ذکر است که در عمل نیز هیچ جایگزینی برای مشاهده کردن، دیدن و یاد گرفتن وجود ندارد. بنابراین، باید تا آنجا که ممکن است، نمونه‌های موفق گذشته را یافت و به دقت بررسی نمود و با دیدن آنها می‌توان که درستی اصول به کار گرفته شده شان با گذر زمان به اثبات رسیده است، اطلاعات ارزشمندی را به دست آورد؛ و این دستاورد را برای رفع نیازهای امروزی به شیوه‌ای موجه‌تر نهادینه ساخت. این کتاب، حاصل حدود سی سال فعالیت حرفه‌ای، مشاهده، مطالعات موردی و اسکیس بوده و در عین

www.ketab.ir

حال مضامین شکل گرفته در دوران خوشایند ریاست انجمن سلطنتی شهرسازی در سال ۱۹۸۸ را نیز در بر دارد.

من نمی‌خواهم این کتاب بسیار تخصصی و مبهم جلوه کند، بلکه تنها می‌خواهم برای طیف وسیعی از افراد، نظیر حرفه‌ای‌ها، دانشجویان و مردم علاقه‌مند - چه در بریتانیا و چه در نقاط دیگر جهان - مفید واقع شود و پیام‌های آن کاملاً ساده و روشن و سودمند باشد.

این کتاب را به کسانی پیشکش می‌کنم که در باروری اندیشه‌ی من در ارائه‌ی موضوع‌های کتاب مؤثر بوده‌اند؛ از جمله‌ی این افراد باید از والتر بور، روانشاد دکتر ژاکوب برونوسکی، سرکولین بوچانان، جان اتان پوریت، ژاکلین رابرتسون و اعلی‌حضرت شاهزاده‌ی ویلز یاد کنم. همچنین، از همسر ژانت و پسرانم آدم و بندیکت - که مرا در خلال ساعت‌های طولانی کار با رایانه یا اشتغال به طراحی تحمل کردند - و همین‌طور از مارتین و نندبرگ - که مرا به نوشتن این کتاب تشویق کرد و به هنگام پیشرفت کار، از کمک و راهنمایی‌ام دریغ نورزید - قدردانی می‌کنم. در پایان نمی‌توان از همه‌ی آدمیان، بر این کره‌ی خاکی که گذران زندگی را در فضاهایی که ما برای آنها شکل داده‌ایم، تجربه می‌کنند و من از نزدیک لذت و یا انزجارشان را از محیط‌های فیزیکی‌شان لمس کرده‌ام پوزش نطلبید و به پاس این صبوری آنها را نستایم.



آغاز سخن

بار اول، فرانسیس تیالدرز را در سال ۱۹۸۰، ضمن آشناییم با «گروه طراحی شهری» ملاقات کردم. یکی از موفقیت‌های چشمگیر او توجه فراگیر معماران، برنامه‌ریزان، معماران منظر و حتی سیاستمداران به مقوله‌ی طراحی شهری بود. پایه‌گذاری «گروه طراحی شهری» در سال ۱۹۷۹، به راستی نقطه عطف و هدایتگر روشنگری‌های پسین آن در طراحی شهری بریتانیا به حساب می‌آید. گروه توسط افراد دوراندیش و پرشوری چون فرانسیس، جان ورتینگتون، جین پرستمن و آلن باکستر هدایت می‌شد. این افراد نه تنها طراحی شهری را رویکرد پیشگامی می‌دیدند، بلکه آن را جوابی به انبوه مشکلات شهری کشور دانسته و قادر بودند شناختی بر ماهیت این مشکلات ارائه کنند.

نگرش فرانسیس به طراحی شهری، به گونه‌ای بود که من شدیداً با آن احساس هم‌فکری می‌کنم. دلبستگی عمیق او به شهرسازی به درک ویژه‌ای از شهر انجامیده است: کارکرد شهر به مثابه‌ی لایه‌های تاریخی نسل‌های پیاپی یا شهر ساخته‌ی دستان بسیار. راه‌حل‌های بهینه‌ی مشکلات شهر - آن‌گونه که فرانسیس می‌اندیشید - حاصل تشریک مساعی متخصصین مختلف گرد آمده تحت رهبری افراد مختلفی از حوزه‌های چند رشته‌ای خواهد بود. گروه طراحی شهری نمونه‌ی این «دستان بسیار» را برنامه‌ریزان، معماران و دیگر محیط‌شناسانی می‌داند که برای خلق محیط‌های شهری پاسخ‌گوی نیازهای مردم، گرد آمده‌اند. در سال ۱۹۸۸ وی «ده فرمان خداوند طراحی شهری» را - که نامزد دریافت جایزه نیز شد - انتشار داد.

احکامی چون: تو بایدت که مکان پیش از بنا پیش رویت آری، تو بایدت فروتنی چنان، که بیاموزی از پیشینیان و احترام‌داری فحواى کلامشان، اکنون اما، این جملات اگر میرهن می‌نماید، ولی به هنگام زیستن فرانسیس مناقشه‌آمیز می‌نمود. ورای مرزهای طراحی، فرانسیس به عنوان رئیس مؤسسه‌ی برنامه‌ریزی شهری سلطنتی، اعمال نفوذهای زیادی جهت اقدامات سیاسی به منظور تقلیل بی‌خانمانی، همچنین توسعه‌ی زیربنای حمل و نقل عمومی به خرج داد.

اگر بود چه خشنود از آنکه می‌دید این مباحث، امروز تا چه حد گسترش یافته است. بویژه در گروه طراحی شهری آلیانس (UDBK) که اندیشه‌ها و مفاهیم «گروه طراحی شهری» را به طور گسترده در بین هیأت‌های مدیره، گروه‌های تخصصی معماران، مهندسين ساختمان، برنامه‌ریزان شهری، نقشه‌برداران و معماران منظر ترویج داده است. گروه (UDBK) نوشانوش «گروه طراحی شهری» کار می‌کرد و اکنون به عنوان یکی از وزنه‌های گران سنگ نگرش‌های طراحی شهری مطرح است. مطمئناً فرانسیس اگر بود، بی‌شک از نتایج گروه فشار تحت حمایت دولت و گزارش آنها با عنوان «به سوی نوزایی شهرها»، همچنین از اشارات مکرر وزرا و سیاستمداران مختلف به طراحی شهری در صحبت‌هایشان به شگفت می‌آمد. در حوزه‌ی طراحی، امروزه داورى‌های بی‌مهرانه، انقلابی در شهرسازی تلقی می‌شود. اکنون معماران و طراحان همه به این موضوع که آینده‌ی شهرهای ما از مضامین بنیادین است اذعان دارند. این نگرش درست برخلاف روزگاری است که فرانسیس و همکارانش «گروه طراحی شهری» را راه انداختند.

من و فرانسیس درست به مانند همکاریمان در «گروه طراحی شهری» هم‌پوشانی حرفه‌ای جالب توجهی داشتیم. او با (VFR) پروژه‌های موفق زیادی کار کرد. فرانسیس مهارت شگفتی در طراحی دست آزاد و به همان اندازه روشن‌اندیشی بارزی در فهم مشکلات و بیان راه‌حل‌ها داشت و همیشه زیر بال اطرافیان مستعد و متین خود را می‌گرفت. ما از کار کردن با هم در «شهرک کینگز کراس» لذت وافر بردیم. ماندگار در خاطرم در سال ۱۹۸۰ موردی که، گزینه‌های طرح ما - کوتاه‌مرتبی، حمل‌ونقل عمومی و عدم کبک‌ه و دبدبه - چالشی جدی در رسیدن به جواب و جبران فرصت‌های از دست رفته تلقی گردید. ما همچنین در طراحی یک مجموعه‌ی تجاری در «مرکز ویملدون تاون» همکاری کردیم این پروژه، نمونه‌ی خوبی برای طرز تفکر به موضوعات طراحی شهری به جهت یافتن گزینه‌هایی برخلاف راه‌حل‌های معمول طراحی شهری بود. حاصل آنکه او و من علیه نیروهای پنهان و تکبر مدرنیته‌ای که بعدها عنوان برنامه‌ریزی شهری به خود گرفت، قد برافراشتیم و در نهایت با او در طرح نوسازی و طرح جامع حوزه‌ی «ایستگاه چارینگ کراس» همکاری داشتیم. این پروژه را به خوبی به یاد دارم، چرا که نه تنها با هم به عنوان طراح شهری روی منطقه‌ی ایستگاه کار می‌کردیم بلکه طراحی جزئیات و پوسته‌ی بناها را نیز به عهده داشتیم.

من فرانسیس را به عنوان فردی فوق‌العاده حرفه‌ای، سخت‌کوش، بسیار مصمم، با شور و هیجان و صف‌ناپذیر در همه‌ی عرصه‌ها در خاطرم نگاه داشته‌ام و گواه

من بر این قضاوت‌ها، اعتبار کارهای او همچنین مناصب حرفه‌ایش مانند ریاست انجمن برنامه‌ریزی شهری سلطنتی و نیابت ریاست انجمن برنامه‌ریزان شهری اروپا می‌باشد. برای من البته ماندگارترین یاد، همکاری به عنوان طراح و هنرمند با او بوده است. نه تنها اسکس‌هایش شگفت‌زیباست، بلکه توانایی عجیبی در ارائه‌ی نمودارهای ساده‌ای داشت که به‌طور موجزی اندیشه‌های گسترده‌اش را به شیوه‌ی ساده‌ای بیان می‌کرد. فرانسیس موهبتی بود برای لندن. پرچمدار نستوه میراث کهن، تمدن و ترقی. فرانسیس طراحی شهری را از یک دلیستگی خرد به آرمان و غایتی در صف مقدم تفکر شهری ارتقا داد.

شهرسازی شهروندگرا، سنگ‌نبشته‌ی درخوری است بر مزار او. به آنچه فرانسیس می‌اندیشید، برای آن ایستادگی کرد و آنچه به دست آورد آن گونه که کارهایش را ارائه کرد و کتاب امروز در خور، آنچنان که او در آخرین روزهای زندگی تکمیلش کرد.

تری فارل
مارچ ۲۰۰۰